

مجموعه
قصه‌های
نترسناک



نقاش فیولولوها

قصه و نقاشی نازنین آیگانی



بابا و بچه سوار ماشین شدند.

بچه گفت: بابا! می شود من روی صندلی جلو بنشینم؟

بابا گفت: نه بچه! جای بچه ها روی صندلی عقب است.

بچه گفت: اما من کمر بندم را می بندم.

بابا گفت: نه!

بچه گفت: خواهش می کنم اجازه بده!

بابا گفت: مگر صندلی عقب با جلو چه فرقی می کند؟

بچه گفت: صندلی جلو از صندوق عقب دورتر است... .

بابا گفت: رسیدیم بچه!... پیاده شو.